

بیضا، عطش دوباره

منصور شدن

www.ketab.ir

مجموعه رباعی

هادی قره گزلو

کتابخانه
موسسه



سرشناسه	: فرمگزلو، هادی، ۱۳۵۹.
عنوان و نام پدیدآور	: بیضا؛ عطش دوباره منصور شدن: مجموعه رباعی/ هادی فرمگزلو.
مشخصات نشر	: قم: عصر جوان، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری	: ۵۷ ص. ۱۴×۵/۲۱، ۵/۱۴ س.م.
شابک	: ۸-۲۰۴-۲۵۳-۶۲۲-۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
عنوان دیگر	: مجموعه رباعی.
موضوع	: شعر فارسی-- قرن ۱۴
موضوع	: Persian poetry ۲۰th century
رده بندی کنگره	: R۸۲۵۷
رده بندی دیویی	: ۸۱۴/۲۶
شماره کتابشناسی ملی	: ۸۵۳۸۵۹۸
اطلاعات رکورد کتابشناسی	: فیبا

بیضا، عطش دوباره منصور شدن

هادی قره گزلو

نوبت چاپ: سال ۱۴۰۰

طراح جلد و صفحه آرا: بهناز زارعی

خوشنویسی: استاد جابر همتی

تیراژ: ۵۰۰ نسخه

قیمت: ۳۰۰۰۰ تومان

آدرس: قم، خیابان ارم، پاساژ قدس، طبقه آخر، پلاک ۱۶۷

تلفن: ۰۲۵۳۷۷۳۰۰۳۷ / ۰۹۱۷۸۹۷۸۲۷۲

به نام خداوند جان، آفرینش حکیم منعم در زبان، آفرینش

مقدمه:

رباعی یکی از قالب‌های ریشه‌دار و اصیل شعر فارسی به شمار می‌رود که تاکنون، اهمیت و جایگاه خود را حفظ نموده است و برخی از شاعران با نوآوری‌ها، خلاقیت‌ها و تصوفاتی در این قالب، نظیر: درهم‌شکستن نظام قافیه و وزن به اشکال مختلف، متفاوت‌نویسی، استفاده از ردیف‌های طولانی، عمودی و پلکانی نویسی سطرهای شعری، به کارگیری زبان و واژگان امروزی، استعانت از اشکال هندسی و تصویری در نوشتار، به آن اعتلا و پویایی بخشیده‌اند. به نظر می‌رسد موجز و هایکویی بودن سبک روزشمنند بودن زمان برای مخاطب امروز، از جمله عوامل اقبال و توجه شاعران و مخاطبان به این قالب کهن ادبیات فارسی بوده است.

هادی قره‌گزلو از زمره‌ی شاعران جوانی است که به این قالب عنایت داشته و برخی تجارب شعری و ذوقی خود را در قالب پنجاه رباعی در دفتر حاضر، با نام «بیضا، عطش دوباره منصور شدن» انتشار داده است. عنوان کتاب که برگرفته از یک مصرع از رباعیات این دفتر می‌باشد، بیضا، شهر و زادگاه شاعر و همچنین حسین بن منصور مشهور به «حلاج» (۳۰۹-۲۴۴ق)، عارف برجسته‌ی ایرانی و این دیار را در ذهن مخاطب متبادر می‌نماید. استعانت



از زبانی ابضاحی، صمیمی، بی‌پیرایه و خودجوش، تپندگی و غلیان عاطفه، پای‌بند و مقید بودن به نظم مألوف، بهره‌گیری از برخی مضامین جدید اجتماعی، از ویژگی‌های عمده‌ی رباعیات قره‌گزلو به شمار می‌رود. هرچند رباعیات این دفتر از حیث سنجش و ارزش هنری یکدست نیست و فراز و فرودهای زبانی و کلامی در آن، ملموس و مشهود است؛ با این‌همه تعدادی رباعیات زیبا و قابل‌درنگ در این دفتر دیده می‌شود که بیانگر اثرآفرینی شاعری توانمند است.

درونمایه‌ی (theme) غالب اشعار قره‌گزلو در این مجموعه را عشق، اندوه، تنهایی، نوستالژی، مصائب و دردهای اجتماعی شکل می‌دهد. تعلیق‌ها و گره‌گشایی‌های قره‌گزلو در برخی از رباعی‌ها - که البته از شاخصه‌های مهم این قالب شعریست - زیبا و قابل‌تأمل است. از جمله در رباعی‌های ذیل:

انگشت‌نما، چهره‌ی منفور شدن
دشنام زمان، وصله‌ی ناجور شدن
لبریز ز های و هوی این وسوسه‌ها
بیضا، عطش دوباره منصور شدن
یا:

ما مثل دو تا کتیبه مبهم بودیم
نقشی که بدون دیگری کم بودیم
یک عمر در انتظار دیداری که ...
ما هر دو، ندیده عاشق هم بودیم

هر چند شاعر این مجموعه رویکرد فلسفی خاصی ندارد؛ اما در خلال برخی از رباعیاتش، می‌توان حال و هوایی خیامی برداشت نمود:

از باخت، به این کهنه قمار آمده‌ام
هم کاسه‌ی تنبور و سه‌تار آمده‌ام
با سیب به جایی نرسید آدم و من
این بار به چیدن انار آمده‌ام
در بخشی از رباعیات این دفتر، اندوه ملموسی موج می‌زند؛ اندوهی آشفته
از جنس بی‌قراری‌های خاک:
اندوه نگاه ساده را می‌فهمد
آشفته‌گی پیاده را می‌فهمد
با آنکه نرفته هیچ کس سمت دلش
این مرد، صدای جاده را می‌فهمد
یا در شعر زیبا، پرکشش و قیل درنگ زیر که اندوه به‌مثابه‌ی شب، بر سر
بی‌ستاره‌ها آوار می‌شود:
شب بر سر بی‌ستاره‌ها آوار است
مهتاب چراغ خسته‌ای بر دار است
در سینه‌ی تنگ شب چه دردی است که ما
خوابیم و هنوز چشمان بیدار است
ساحت عاطفی شاعر «بیضا، عطش دوباره منصور شدن» تنها فردی نیست؛
بلکه فضا و صیغه‌ی اجتماعی و تاریخی نیز دارد:
انگار که بوی مرگ را فهمیده است
آهو بچه، از سایه‌ی خود ترسیده است
یک بار دگر صدای شلیک و تفنگ ...
این بار محیط‌بان به خون غلتیده است.